



مؤلفه های رفاه اجتماعی در آموزه های اسلامی

پدیدآورنده (ها) : اصغری، محمود

علوم اجتماعی :: پژوهش های اجتماعی اسلامی :: خرداد و تیر 1391 - شماره 94 (ISC)

از 159 تا 182

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/957950>

دانلود شده توسط : زهرا فلاحي

تاریخ دانلود : 10/10/1399

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

مؤلفه‌های رفاه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی *

□ محمود اصغری^۱

چکیده

در آموزه‌های دینی برای رفاه اجتماعی که بیان‌گر دستیابی انسان‌ها به شرایط مطلوب زندگی است، مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی تعریف و تبیین شده است.

این نوشتار در پی آن است تا به بیان و بررسی این مؤلفه‌ها بر مبنای آموزه‌های شریعت اسلامی بپردازد.

آن چه از سخنان و آموزه‌های به جا مانده از معصومین علیهم‌السلام در این رابطه استفاده می‌شود بیان‌گر آن است که از مهم‌ترین مؤلفه‌های رفاه اجتماعی در رویکرد دینی سه چیز است:

(۱) امنیت؛

(۲) عدالت؛

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲.

۱. عضو پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

(۳) فراوانی نعمت.

فرض ما در این نوشتار بر این است که اگر حقایق واقعی آموزه‌های اسلام مورد بهره‌برداری صحیح قرار داده شود، و انسان‌ها بر مبنای آموزه‌های دینی تربیت شوند، دستیابی به رفاه اجتماعی امری آسان خواهد بود. واژگان کلیدی: اسلام، تربیت دینی، امنیت، عدالت، رفاه اجتماعی.

مقدمه

شریعت اسلامی با تأکید بر ارتباط حقیقی میان دنیا و آخرت و آموزه‌های در بر دارنده‌ی ابعاد گوناگون کمال انسان، نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین هدف‌های اسلام در حوزه‌ی اقتصاد، برقراری رفاه اجتماعی برای انسان‌ها است.

رفاه اجتماعی به معنای فراهم ساختن آسایش جسمی و فکری، مادی و معنوی تمامی افراد گوناگون جامعه با دامنه‌ی نفوذ بسیار گسترده‌اش، امنیت جان و مال، آبرو و شخصیت، تأمین شغل، بهداشت، آموزش و پرورش و مانند آن را در بر می‌گیرد.

در واقع دستیابی به رفاه اجتماعی، هدف اساسی دولت‌های اسلامی و به عنوان معیار ارزیابی فعالیت‌های جامعه‌ی اسلامی شمرده می‌شود.

در بینش توحیدی، رفاه اجتماعی به عنوان یک استراتژی کارآمد در حوزه‌ی دین از اهمیت بسزایی برخوردار است. در حقیقت می‌توان گفت نگاه دین به رفاه اجتماعی نگاه جامع و کامل به انسان و نیازهای اساسی و حقیقی او و نیز چگونگی و میزان بهره‌گیری از طبیعت و ارتباط او با دیگر هم‌نوع است.

شاخصه‌های اصلی چنین جامعه‌ای در نگاه دینی که از آن به مؤلفه‌های اصلی و اساسی جامعه‌ی برخوردار از رفاه اجتماعی نیز می‌توان تعبیر کرد، سه چیز دانسته شده است، که در آموزه‌های دینی این گونه آمده است:

ثلاثة أشياء يحتاج الناس طرأ إليها: الأمن و العدل و الخصب (حرانی، ۱۳۹۸،

۱۲۷)؛ سه چیز است که تمامی انسان‌ها دائماً نیازمند به آن هستند:

۱) امنیت؛

۲) عدالت؛

۳) فراوانی.

۱۶۱۸

این نوشتار در دو بخش به تشریح این موضوع خواهد پرداخت.

بخش اول: مؤلفه‌های اصلی و اساسی رفاه اجتماعی در آموزه‌های دینی

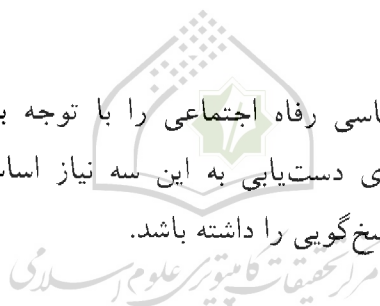
به نظر می‌آید دین با توجه به اهمیت دادن و پاسخ‌گویی به سه نیاز اساسی انسان‌ها که عبارتند از:

۱) امنیت؛

۲) عدالت؛

۳) فراوانی نعمت؛

راهبردهای اصلی و اساسی رفاه اجتماعی را با توجه به مکانسیم‌ها و توان‌مندی‌های بالایی که برای دستیابی به این سه نیاز اساسی بشری دارد می‌تواند بیشترین و بهترین پاسخ‌گویی را داشته باشد.



۱) امنیت

امنیت واژه‌ای است مناقشه برانگیز. حداقل این تفاهم وجود دارد که امنیت یعنی پرهیز از خطراتی که منافع و ارزش‌های حیاتی را مورد تهدید قرار می‌دهند. در تعریف امنیت می‌توان گفت امنیت جامعه: «توانایی و انسجام نهادی و شخصی جامعه برای مقابله با تهدیدات درونی و بیرونی است» (یوسفی، ۱۳۷۷، ۸). بدین ترتیب امنیت شخصی شهروندان محصول و برآیند امنیت در مال، جان، فکر و عاطفه‌ی آنهاست. به طور طبیعی هر چه توانایی و انسجام شخصیتی افراد در این چهار بعد بیشتر باشد، از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار خواهند بود. از این

رو، توانایی و انسجام شخصی، شانس بقای افراد را در مقابله با تهدیدات درون و برون شخصیتی آنان افزایش می‌دهد (همان).

بنابراین، جستجوی امنیت از مهم‌ترین نیازها و انگیزه‌های انسانی است. مهم‌ترین نیاز هر جامعه برقراری امنیت آن جامعه و افراد آن است که مسئولیت تأمین بخش عمده‌ی آن به عهده‌ی حکومت‌ها و دولت‌هاست (ر. ک: تاجیک، ۱۳۷۷، ۴۶).

وظیفه‌ی حکومت‌ها در ایجاد امنیت

واقعیت‌های موجود

بر مبنای اندیشه‌ی حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی - اجتماعی خویش نیز مردم در رابطه با برقراری امنیت در تمامی شؤون آن بیشترین انتظار را از نهادهای سیاسی جامعه نیز دارند.

ولی از آنجا که بروز مسائل اجتماعی نظیر بزه‌کاری و انحرافات اجتماعی در کنار معضلات دیگر به یکی از منابع ظهور و گسترش «احساس ناامنی» در بین مردم تبدیل شده است، تشدید اعمال قوانین کیفری و تقویت اقدامات پلیسی و سرمایه‌گذاری‌های همه‌جانبه‌ی دولت‌ها برای تعدیل احساس ناامنی، نتیجه‌ی مطلوبی به دنبال نداشته است.

در حال حاضر اکثر مردم، بیشتر از ناحیه‌ی نگرانی‌های مرتبط با زندگی روزمره احساس ناامنی می‌کنند. امنیت شغلی، امنیت درآمد، امنیت از باب سلامتی، ایمنی در برابر جرائم و جنایات، و بسیاری ناامنی‌های دیگر، نگرانی‌هایی هستند که در زمینه‌ی امنیت انسانی در سرتاسر جهان احساس می‌شوند (علینقی، ۱۳۷۸، ۱۳۸).

مشارکت در برقراری امنیت می‌تواند به صورت‌های مختلفی از جمله مشارکت در اقدام‌های پیش‌گیرانه از ارتکاب جرائم و جلوگیری از آسیب‌های

فردی و اجتماعی و نظایر آن انجام گیرد.

۱۶۳

راهبرد دین در برقراری امنیت

با توجه به اهمیت مسأله امنیت باید دید دین در مبارزه با ناامنی و برقراری امنیت که در آموزه‌های دینی از نیازهای اولیه‌ی هر جامعه‌ای دانسته شده است چه راهبردی‌هایی را در اختیار دارد.

نهادینه کردن سازوکارهای امنیت در جامعه

تحکیم روابط اجتماعی

از جمله کارکردهای مهم و تا حدی بی‌بدیل دین، تحکیم روابط اجتماعی میان انسان‌ها و تضعیف و از بین بردن تنش‌ها، اصطکاک‌ها و تعارض‌هایی است که نظم اجتماعی را به چالش می‌کشاند و تعهدات افراد را به رعایت حقوق و وظایف متقابل اجتماعی تنزل می‌دهند. نقش دین در ایجاد ارتباط اجتماعی، از این نظر در جوامع نوین اهمیت بسیاری دارد که سایر عوامل پیوند اجتماعی، مانند پیوند مبتنی بر تعلقات قبیله‌ای و خونی اهمیت خود را از دست داده‌اند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کارکرد دین در زندگی اجتماعی

اگر دین را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، عقاید، سنت‌ها، آداب و رسوم و جز آن که از طریق پیامبران از سوی خدا نازل شده است بدانیم می‌توان گفت که دین در تعیین هویت و به هم پیوستن یک گروه، یا یک ملت نقش اساسی دارد (ر. ک: رشاد، ۱۳۷۹، ۹۲-۸۵). اهمیت بیش از حد این مسأله سبب شده است که برخی از جامعه‌شناسان حتی با اعتقاد به این که ممکن است، باورداشت‌های دینی نادرست و عملکردهای آن خطاآمیز باشند، در عین حال کارکردهای اجتماعی ارزشمندی دارند. از این رو این گروه از جامعه‌شناسان با چشم پوشی از منشأ و سرچشمه و حقیقت دین به اهمیت و نقش کارکردهای دین در جامعه پرداخته‌اند. کلیف براون

در این باره چنین می‌گوید:

ما دست کم به عنوان یک امکان، می‌توانیم به این نظریه توجه داشته باشیم که دین مانند اخلاق و قانون، بخش مهم و حتی اساسی دستگاه اجتماعی و جزئی از آن نظام پیچیده‌ای است که انسان‌ها با آن می‌توانند در یک تنظیم سامان‌مند روابط اجتماعی با هم زندگی کنند. بر مبنای این دیدگاه، ما با سرچشمه‌های دین کاری نداریم، بلکه تنها به کارکردهای اجتماعی آن نظر داریم، یعنی می‌خواهیم بدانیم که دین در شکل‌گیری و نگهداشت نظم اجتماعی چه نقشی را بازی می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷، ۱۹۸).

اهمیت مناسک دینی در جمع‌گرایی و وحدت اجتماعی

رابرت اسمیت درباره‌ی کارکرد دین در این جهت می‌نویسد:

دین دو نوع کارکرد دارد؛ یکی تنظیم رفتار فردی برای خیر همگان، و دیگری بر انگیزتن احساس اشتراک و وحدت اجتماعی. از این رو، مناسک دینی، بیان تکراری وحدت و کارکردهایی است که اشتراک اجتماعی را تحکیم می‌بخشد (همیلتون، ۱۳۷۷، ۱۷۰).

به اعتقاد دورکیم:

مناسک دین، برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما، به همان اندازه ضروری‌اند که خوراک برای نگهداشتن زندگی جسمانی ما ضرورت دارد، زیرا از طریق مناسک است که گروه خود را تأیید و حفظ می‌کند (همان، ۱۷۹).

ویل دورانت درباره‌ی اهمیت دین در تقویت روحیه‌ی جمع‌گرایی و مبارزه با روحیه‌ی فردگرایی می‌نویسد:

در تمام پیچ و خم‌های زندگی انسان، غرایز شخصی از غرایز اجتماعی قوی‌تر است. ... کار بزرگ دین این است که از راه شعائر دینی و تعالیم اخلاقی و بشارت به بهشت و ترس از دوزخ، انگیزه‌ها و دواعی به حال نوع را حمایت کند. به عبارت بهتر، از انگیزه‌های تعاون و همکاری در برابر انگیزه‌های

قدیمی خودپرستی، که در طی میلیون‌ها سال با نبرد برای زندگی و جنگ و غارت و خوردن و زورگویی پیوند و پرورش یافته است، دفاع کند. من به جهنم عقیده ندارم، ولی مطمئنم همین عقیده بسیاری از مردم را از شیطنت و شرارت بازداشته است (دورانت، ۱۳۷۱، ۴۴۴-۴۴۳).

بر این اساس می‌توان گفت که دین در دو جهت در زندگی فردی و اجتماعی کارکرد بسزایی دارد.

(۱) پیش‌گیری از نابسامانی‌های اجتماعی؛

(۲) تأثیر آن بر وحدت و هم‌گرایی اجتماعی.

اسلام علاوه بر اصول حاکم بر روابط اجتماعی مانند اصل عدالت، رأفت متقابل، احسان، و... به بیان ایجاد و تقویت عواملی که امنیت را در جامعه نهادینه می‌کند نیز پرداخته است.

عوامل نهادینه‌کننده امنیت در جامعه

الف - تکریم انسان

جایگاه انسان در اندیشه‌ی توحیدی

نگاه آرمانی به انسان

بی‌تردید انسان در اندیشه‌ی دینی از جایگاه رفیعی برخوردار است، بر این اساس انسان در نگاه توحیدی موجودی آرمانی و آرمان‌گراست که دارای عزت و کرامت می‌باشد.

اسلام با ارج نهادن به زندگی دنیوی و دعوت انسان‌ها به کار و کوشش و تلاش برای بهره‌برداری از منابع طبیعی جهانی آباد و پر از نشاط و شادی را برای انسان‌ها خواستار است و آن را به ارمغان می‌آورد. بدین جهت است که به تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام: **بِالْإِيمَانِ يَرْتَقَى إِلَى ذُرُورَةِ السَّعَادَةِ وَ نَهَايَةِ الْحَبُورِ** (آمدی، ۱۳۶۶، ۲۴)؛ به سبب ایمان و باور به خدا، انسان به رفیع‌ترین مدارج و

قله‌های سعادت نایل و از شادی و سرور کامل برخوردار می‌گردد. از آنجا که بی‌تردید ایمان جز در پناه محاسن و مکارم اخلاق بارور نمی‌گردد، می‌بینیم اسلام بیشترین تلاش خود را در به کارگیری تربیت اخلاقی در جامعه به کار گرفته است.

ب - بهره‌گیری از اخلاق

به اعتقاد برخی از اندیشمندان اسلامی دلیل بر این که خداشناسی و ایمان و معنویت از دنیا نخواهد رفت این است که بشر احتیاج به اخلاق دارد، زیرا به نظر ایشان در دوره‌ی علم که دیگر با تقلید و تلقین نمی‌توان فضائل اخلاقی درست کرد، باید با منطق آن را ریشه‌دار نمود.

دنیا و جامعه‌ی بشریت یا باید باشد و یا باید نباشد اگر نیست و نابود می‌شود که هیچ، ولی اگر جامعه‌ی بشریت باید باقی بماند اخلاق می‌خواهد و اخلاق همه جانبه می‌خواهد، اخلاقی که بتواند همه‌ی جوانب را رعایت بکند، اخلاقی که مبنا و پایه و اساس داشته باشد و این جز با دین و معنویت امکان ندارد (مطهری، ۱۳۷۷، ۲۹۱).

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

اخلاق خدا محور

از این رو، برخی از اندیشمندان غربی نیز بر این عقیده پای فشرده و معتقدند؛ که اخلاق بدون مبنای الهی دارای دوام و ثباتی نخواهد بود. به عنوان مثال نویسنده‌ی مقاله‌ی «اخلاق و دین» در این رابطه چنین اظهار می‌کند:

دسته‌ی سوم از فیلسوفان بر این نکته پای می‌فشرند که آراء متافیزیکی و دینی مختلف در تعلیل و تبیین و توجیه تعهدات به زندگی اخلاقی، نقش بسزایی دارند. این صاحبان فکر استدلال می‌کنند که بدون حداقل پاره‌ای مبانی متافیزیکی یا دینی، تلاش اخلاقی بی‌معناست (ر. ک: الیاده، ۱۳۷۴، ۱۴).

بدین جهت است که به اعتقاد شهید مطهری^۱:

۱۶۷*

وقتی که می‌آییم سراغ تربیت دینی می‌بینیم مفاهیمی مانند حق، عدالت، صلح، همزیستی، عفت، تقوا، معنویت، راستی، درستی و امانت، تمام این‌ها الفاظی هستند تو پر، و پایه و مبنا و منطق دارند دیگر مفاهیم تو خالی نیست، مفاهیم تو پر است. لذا به نظر وی، اگر ایمان به خدا به عنوان پشتوانه‌ی اخلاق نباشد به تعبیر وی، [اخلاق] مثل اسکناسی است که پشتوانه نداشته باشد (مطهری، ۱۳۷۷، ۲۹۱).

در راستای تقویت و تحکیم تکریم انسان است که اسلام انسان‌ها را به مشارکت در امور اجتماعی و توجه به سرنوشت یکدیگر تشویق و ترغیب می‌کند، و بر سه اصل اساسی تعاون و همکاری، و مسؤولیت‌پذیری و وفای به عهد با تأکید فراوان پای می‌فشرد.

تعاون و همکاری

در اسلام تعاون و مشارکت از جمله آموزه‌های اصلی آن به شمار می‌آید. در آیات و روایات بر آن تأکید فراوانی شده است. لذا در سوره‌ی مبارکه‌ی مائده خدای سبحان با به کار بردن فعل امر از مؤمنین درخواست انجام آن را دارد. «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده، ۲)؛ در نیکوکاری و پرهیزکاری همکاری کنید نه در گناه و تجاوز.

بی‌تردید اگر این اصل به عنوان یک فرهنگ در جامعه نهادینه گردد و انسان‌ها بدون توجه به روابط شخصی، نژادی و خویشاوندی، در انجام کارهای مفید همکاری و همیاری داشته باشند، بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی که سبب از بین رفتن انسجام اجتماعی می‌گردد از جامعه رخت برخواهد بست (زاهدی اصل، ۱۳۷۱، ۵۴).

نقد و بررسی

اصولاً هر چه انسان‌ها و جوامع از تکامل و رشد فرهنگی بیشتری برخوردار می‌گردند، توقع آن هست که مشارکت و همکاری انسان‌ها نیز افزایش یابد، ولی آن چه که امروزه در جوامع مدعی توسعه‌یافتگی مشاهد می‌شود، عکس این توقع را نشان می‌دهد که سبب آن را باید در دوری از تربیت دینی در غالب فرهنگ شدید فردگرایی، در پی سلطه‌ی مطلق عقلانیت ابزاری جستجو کرد. در برابر این خلأ موجود در جوامع نوین، اسلام می‌تواند نقش بسیار مهمی را در ایجاد فرهنگ دیگرخواهی ایفا نماید.

در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، اهمیت این مسأله به اندازه‌ای است که یاری رساندن و معاونت برادران دینی با ارزش‌ترین چیز بعد از ایمان به خدا و پذیرش حقوق اولیای او از آل محمد علیهم‌السلام دانسته شده و چنین آمده است:

... و اعلموا انکم لا تشکرون الله تعالی بشی بعد الايمان بالله و بعد الاعتراف بحقوق اولیاء الله من آل محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم احب الیه من معاونتکم لاخوانکم المؤمنین علی دنیاھم الّتی هی معبر لھم الی جنان رھم فان من فعل ذالک کان من خاصّة الله تبارک و تعالی ... (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ۱۶۹)؛ ... بدانید پس از ایمان به خدا و پذیرش حقوق اولیای او از آل محمد علیهم‌السلام ستایش و سپاسی محبوب‌تر نزد خدا از یاری و معاونت برادران مؤمن نیست؛ یاری رسانی به زندگی دنیوی آنان که راهی است برای رسیدن آنان به بهشت الهی...

مسئولیت‌پذیری

از جمله اصول اجتماعی بسیار با اهمیت در اسلام مسأله‌ی مسئولیت‌پذیری مسلمین نسبت به یکدیگر است. سخن معروف پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است: «من اصبح و لم یهتم به امور المسلمین فلیس منهم» (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ۱۶۴)؛ کسی که شب را به صبح آورد و اهتمامی نسبت به امور مسلمانان نداشته باشد مسلمان نیست، و «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتہ» (بخاری، ۱۹۸۱، ج ۱،

۱۶۰ و مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۵، ۳۸؛ همه‌ی شما نگهبان هستید و همه‌ی شما مسؤول یکدیگرید، نشان از اهتمام شدید اسلام به این اصل در قالب یک فرهنگ در جامعه‌ی اسلامی دارد. با نگاهی به برخی از مصادیق این اصل می‌توان به اهمیت آن بیشتر پی برد. برخی از مصادیق آن عبارتند از:

الف - اصلاح بین انسان‌ها؛ که در آیات و روایات بر آن تأکید بسیار شده است. «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال، ۱)؛ از خدای بترسید و با یکدیگر به آشتی زیست کنید. در آموزه‌های اسلام، انجام این عمل به اندازه‌ای از عظمت برخوردار است که به تعبیر علی بن موسی الرضا علیه السلام، اجر و مزد چنین عملی را فقط خدا می‌تواند جبران کند (ر.ک: حرانی، ۱۳۹۸، ۴۳۵).

ب - برآوردن نیازهای افراد؛ تأمین نیازهای نیازمندان از جمله وظایفی است که اسلام آن را به عهده‌ی مسلمین قرار داده است. به تعبیر ثامن الحجج علیه السلام، خداوند توانمندان را موظف نموده است تا به کمک و یاری نیازمندان بشتابند (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ۸۹). در نگرش دینی، حتی یکی از علل وجوب روزه شناخت حسی و ملموس گرسنگی و تشنگی دانسته شده است تا از این طریق بتوان حالت گرسنگی و نیاز نیازمندان را فهمید و درک کرد (ر.ک: همان، ۹۱). بی‌جهت نیست که در برخی از آموزه‌های اسلامی از آن به عنوان بهترین صدقه نام برده شده است (حرانی، ۱۳۹۸ق، ۴۳۷). و انجام آن از جهت ارزش نزد خدای سبحان از بیست حج بالاتر است (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ۳۴۶).

اصل وفای به عهد

از نظر دین شایسته است افراد مسؤولیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای‌شان را امانت‌های الهی تلقی نمایند و از فرصت‌های به دست آمده در جهت ارائه‌ی خدمت و تقرب به خدای متعال حداکثر بهره را ببرند. بنابراین، از نظر اسلام، عمل براساس احکام الهی در ارتباط با دیگران و امداد و انفاق به دیگران یکی از

مصادیق وفای به عهد انسان مؤمن و صالح است.

عدالت و مساوات

مفهوم دینی عدل

در اصطلاح دین «عدل» به معنای «اعطاء کل ذی حقه» است، یعنی حق هر صاحب حقی را به او دادن و به تعبیر علی علیه السلام، العدل یضع الامور فی مواضعها (شهیدی، ۱۳۷۹، ۴۴۰)؛ عدل قرار دادن هر چیزی در جای خود است.

در جای دیگر حضرت می‌فرماید: إن العدل ميزان الله سبحانه الذي وضعه في الخلق و نصبه لاقامه الحق ... (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۱، ۲۲۲)؛ عدالت، ترازوی خداوند است که برای بندگان نهاد و برای اقامه‌ی حق آن را نصب کرد. خداوند را در ترازویش نافرمانی نکنید و با سلطنت او معارضة نکنید.

از نظرگاه عدالت دینی، هر جا پای حقوق انسان به میان می‌آید، میدان عدالت است؛ چه آن حق اقتضای برابری و مساوات داشته، چه نداشته باشد. بنابراین اگر حق هر صاحب حقی در جامعه ادا شود، تعادل و توازن میان افراد جامعه به وجود خواهد آمد.

بدین جهت است که در آموزه‌های دینی «استعمال العدل و الاحسان مؤذن بدوام النعمة» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ۲۴)؛ به کارگیری عدالت و نیکوکاری سبب دوام و ثبات نعمت‌هاست.

مساوات و برابری

به طور کلی تفکر و تعالیم اسلامی نافعی همه‌ی فخر فروشی‌ها، قومیت‌گرایی‌ها و نژاد پرستی‌هاست که اوج قله‌ی این تفکر را در آیه‌ی شریفه‌ی ذیل می‌بینیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از

مرد و زنی آفریدیم. و شما را به صورت گروه گروه و قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست، خدا دانا و کاردان است.

اسلام تنها در مقام نظر بیان‌گر و منادی این حقوق نبوده، بلکه در مقام عمل نیز پای‌بندی خود را به این حقوق ثابت نموده است. در واقع دوران پر فراز و نشیب بیست و سه ساله‌ی رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خود بهترین گواه بر صدق این گفتار است. به عنوان نمونه بعد از فتح مکه هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد این شهر می‌شود به ایراد سخن می‌پردازد و در همان حال و در اولین فرصت به دست آمده بعد از حمد و ستایش خدای سبحان به بیان منشور حقوق انسان‌ها پرداخته و چنین می‌گوید:

«یا معشر القریش ان الله قد اذهب عنکم نخوة الجاهلیة و تعظمها بالاباء الناس من آدم و آدم من تراب» (ر. ک: شلبی، ۱۳۶۳، ۸۸۴)؛ ای گروه قریش، خدا در پرتو اسلام باد و نخوت و غرور و فخرفروشی جاهلیت را به آباء و اجداد از بین برد. انسان‌ها همگی از آدم‌اند و آدم نیز از خاک برگرفته شده است. سپس در ادامه با بیان آیه‌ی کریمه‌ی «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳)؛ در صدد نفی هرگونه امتیازات قومی و قبیله‌ای و نژادی برآمدند و در تأکید بر این مطلب فرمودند:

«ان الناس من عهد آدم الى يومنا هذا مثل اسنان المشط لافضل للعربی علی العجمی و لا للاحمر علی الاسود الا بالتقوی» (همان)؛ انسان‌ها، چه در گذشته و چه حال، همانند دندانه‌های شانه مساوی و برابرند، از این رو هیچ جایی برای برتری عرب بر عجم و سرخ بر سیاه نمی‌ماند. تنها ملاک برتری و فضیلت تقوی و پرهیزکاری است. در واقع پیامبر صلی الله علیه و آله با این سخنان‌اش پایه‌گذار اندیشه‌ای بود

که به تعبیر نویسنده «اسلام و جهان معاصر»:

این اندیشه براساس وحدت ارزش‌هایی بر پا شد که از یگانگی پروردگاری ناشی می‌شد که یکسانی معیار خلقتی یعنی وحدت معیاری را که در آن به نژاد و رنگ مردم اهمیتی داده نمی‌شود، به بشریت ارزانی داشت (جندی، ۱۳۷۱، ۱۱۲).

بر مبنای چنین نگرشی است که در سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام می‌خوانیم که امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به کسی که از آن حضرت خواسته بود که برای خادمین‌اش سفره‌ای جداگانه بپاندازد و همگان را در سر یک سفره در کنار خودش فرانخواند فرمودند:

مه ان الرب - تبارک و تعالی - واحد و الام واحدة و الاب واحد و الجزء بالاعمال (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۸، ۲۳۰)؛ ساکت، خدای همه یکی است و مادر و پدر نیز یکی است و پاداش هر کسی به رفتار اوست.

در همین راستاست که اسلام در مورد چگونگی روابط و رفتار مسلمانان با دیگر گروه‌های غیرمسلمان تصریح می‌کند که نه تنها نباید با نظر کینه و دشمنی به آنها نگرست، بلکه باید آنان را مورد احترام و احسان و محبت قرار داد. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه، ۸)؛ خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمین‌تان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد.

همان گونه که در آیه‌ی کریمه دیده می‌شود خدای سبحان از عدالت و نیکی نسبت به افراد غیرمسلمان و دوستی با آنان ستایش و تمجید می‌کند، و تنها در جایی فقط این دوستی را برای مسلمانان نمی‌پذیرد که آنها سر ستیز و دشمنی با مسلمانان را دارند و آن را به صورت تجاوز آشکار و یا خیانت پنهان ابراز

می‌کنند. «إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه، ۹)؛ جز این نیست که خدا دوستی ورزیدن با کسانی که با شما در دین جنگیده‌اند و از سرزمین خود بیرون‌تان رانده‌اند یا در بیرون راندن‌تان همدستی کرده‌اند شما را بازدارد، و هر که با آنها دوستی ورزد از ستمکاران خواهد بود.

فراوانی

تمایل ملت‌ها برای نیل به رفاه و آبادانی و پیشرفت همراه با حفظ هویت و کرامت انسانی ریشه در تاریخ دارد. این مسأله بعد از جنگ جهانی دوم تحت عنوان توسعه مطرح شده و از دیدگاه‌های گوناگون مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

توسعه به عنوان فرایند پیچده‌ای که رشد کمی و کیفی تولیدات و خدمات همراه با بهبود سطح زندگی، تعدیل درآمد و زدودن فقر و محرومیت و بیکاری، تأمین رفاه همگانی، رشد علمی و فناوری درون‌زا را در یک جامعه مد نظر دارد، امری است که تمام جوامع برای رسیدن به آن تلاش می‌نمایند. اگر چه برنامه‌هایی که اکثر کشورهای جهان سوم برای دستیابی به توسعه در پیش گرفتند، طی کم‌تر از یک دهه دست‌خوش خلل شد و بعد از گذشت دو دهه با شکست مواجه گردید. علت عمده‌ی عدم موفقیت استراتژی توسعه پیروی از نسخه‌ها و دستورالعمل‌هایی بود که کم‌تر با واقعیت‌های کشورهای جهان سوم همخوانی داشت. در نتیجه آرمان‌شهرهایی که دولت‌مردان و برخی از اندیشمندان کشورهای در حال رشد در خیال خود می‌پروراندند، به منصه‌ی ظهور نرسید. لذا آشفته‌گی‌ها و ناموزنی‌هایی که در روند ایجاد این آرمان‌شهرها پدید آمد، موجب اوج‌گیری یأس و ناکامی‌ها شد. در واقع می‌توان گفت، توسعه از یک سو بیان‌گر آرزوها و رؤیاهای جوامع واپس زده شده و فقیر است که می‌خواهند از دور

باطل عقب‌ماندگی خود را رها سازند و از دیگر سو، منشأ بسیاری از ناکامی‌ها، سرخوردگی‌ها، از خود بیگانگی‌ها، بی‌ثباتی‌ها، وابستگی‌ها، تضادها و دوگانگی‌های اجتماعی و فرهنگی در این کشورها بوده است.

رابطه‌ی متقابل امنیت با فراوانی نعمت

تأثیر رفاه اجتماعی در امنیت ملی

توسعه‌ی اقتصادی پایدار و امنیت ملی مکمل یکدیگرند و هر یک زمینه‌ساز دیگری است. امنیت شرط ضروری و لازم برای توسعه‌ی پایدار و موزون است و توسعه‌ی پایدار نیز زمینه‌ساز گسترش و تقویت و ارتقای امنیت است و رابطه‌ی این دو بسیار ظریف و حساس و تلفیق این دو و بسترسازی هر یک برای دیگری یک ضرورت است (دری نجف آبادی، ۱۳۷۷، ۲).

توان‌مندی اقتصادی در برآیند قدرت ملی، چه به لحاظ تأثیرگذاری بر توان نظامی و دفاعی و چه از نظر کسب رضایت‌مندی و مقبولیت مردمی و حفظ پایگاه مردمی نظام و همچنین از نظر تأمین استقلال و عدم سلطه‌پذیری و کسب جایگاه تأثیرگذاری و اعمال اراده و پی‌گیری هدف‌ها و تأمین منافع ملی، یکی از عوامل مهم و مؤثر در حفظ و صیانت ملی به شمار می‌رود (همان).

نقد و بررسی

نقش روابط انسانی در پیدایش برخی پدیده‌های اجتماعی

در یک نگاه کلی می‌توان چنین اظهار نظر کرد، که به طور کلی قرآن تمامی مشکلات اجتماعی را نتیجه و حاصل رفتارهای انسان‌ها می‌داند.

برخی از آیاتی که به وجود آمدن بسیاری از پدیده‌های اجتماعی را کارکرد روابط انسانی می‌داند از این قرارند:

آیه کریمه‌ی «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم، ۴۱)؛

به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد، بیان‌گر این مطلب است.

۱۷۵۶

همان‌گونه که دیده می‌شود این آیه‌ی شریفه به وضوح و روشنی دلالت دارد بر این که تمامی پدیده‌های ناهنجار و آسیب‌های اجتماعی در واقع کارکرد اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی خود انسان‌هاست.

در آیات متعددی قرآن کریم به توضیح و تفصیل این مطلب پرداخته و نسبت به وجود برخی از پدیده‌های اجتماعی و سبب پیدایش آنها رهنمودهای مهمی را بیان می‌کند. به عنوان مثال خدای سبحان وقتی به شرح حال قوم بنی اسرائیل در سوره‌ی مبارکه‌ی مائده می‌پردازد، علت پیدایش پدیده‌ی قساوت و بی‌رحمی و نبود عاطفه را در میان آنها شکستن عهد و پیمان و میثاق‌های الهی دانسته و می‌گوید:

«فَبِمَا نَقْضُهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً» (مائده، ۱۳)؛ چون آنان پیمان را شکستند، لعنت‌شان کردیم و دل‌های‌شان را سخت گردانیدیم.

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره، ۲۷۵)؛ آنان که ربا می‌خورند، در قیامت چون کسانی از قبر برمی‌خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده باشند.

وجود روابط ناسالم اقتصادی در جامعه سبب پیدایش پدیده‌ای به نام جنون می‌گردد. در واقع یک دسته روابطی هستند که کارکرد آنها برخی پدیده‌های اجتماعی است، مانند قساوت و بی‌رحمی، ظلم و جنایت و خود فراموشی.

تأثیر روابط انسانی بر حوادث طبیعی

یک دسته از روابط انسانی هستند که کارکرد آنها به وجود آمدن حوادث طبیعی است، که این حوادث و پدیده‌ها خود نیز شامل دو قسمت می‌شود.

(۱) پدیده‌هایی که پیامدهای ناگواری در زندگی انسان‌ها به وجود می‌آورد؛

مانند زلزله، طوفان، سیل، آفات نباتی، قحطی و خشکسالی.

از این رو می بینیم که قرآن کریم در بیان علت حادثه‌ی طوفان نوح و غرق شدن در آب را سست‌پیشگی آنها ذکر می‌کند.

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» (عنکبوت، ۱۴)؛ ما نوح را بر مردم‌اش به پیامبری فرستادیم، او هزار و پنجاه سال کم در میان آنان بزیست و چون مردمی ستم‌پیشه بودند، طوفان‌شان فرو گرفت.

قرآن کریم علاوه بر قوم نوح از اقوام دیگری نام می برد که به علت کج روی و انحراف از راه راست و پیروی نکردن از انبیای الهی علیهم السلام و در نتیجه ستم پیشگی، سرنوشتی جز هلاکت و نابودی را برای خود رقم نزدند. «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا» (یونس، ۱۴)؛ و ما مردمی را که پیش از شما بودند چون ستم کردند هلاک کردیم.

(۲) پدیده‌هایی که سبب رفاه و آسایش و خوشی و آرامش روحی و روانی اجتماع می‌گردد؛ مانند فراوانی و وفور نعمت، نمونه‌ای از آیاتی که به این مطلب تصریح دارند عبارتند از: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف، ۶۹)؛ اگر اهل قریه‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، برکاتمان را از آسمان و زمین بر آنها روان می‌ساختیم.

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلَ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٌ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارٌ» (نوح، ١٠-١٢).

در این آیهی کریمه خدای سبحان از زبان نوح پیامبر علیه السلام مطلب را این گونه بیان می‌کند که نوح به قوم‌اش گفت:

از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا از آسمان برایتان

پی در پی باران فرستد و شما را به اموال و فرزندان مدد کند و برایتان بستان ها و نهرها بیافریند.

۱۷۷۳

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل، ۱۱۲)؛ خدا قریه‌ای را مثل می‌زند که امن و آرام بود، روزی مردم‌اش به فراوانی از هر جای می‌رسید، اما کفران نعمت خدا آنها را نمودند و خدا به کیفر اعمال‌شان به گرسنگی و ترس وحشت مبتلا ساخت.

در نگاه کلی و همه جانبه به آموزه‌های دینی به خوبی می‌توان این حقیقت را دریافت، که چگونه شبکه‌ی روابط انسانی بر شبکه و نظام روابط طبیعی حاکمیت دارد. به عنوان نمونه احادیث و روایاتی که در باب «امر به معروف و نهی از منکر» وجود دارد به روشنی بیان‌گر این مطلب می‌باشد.

به عنوان مثال در این روایات به عواملی که سبب پیدایش پدیده‌ی ظلم و ستم و پایمال شدن حقوق انسان‌ها توسط حکمان و متولیان امور در جوامع می‌گردد پرداخته شده و عامل آن ترک امر به معروف و نهی از منکر دانسته شده است. اهمیت این مسأله در بینش معصومین علیهم‌السلام به حدی است که علی علیه‌السلام حتی در آخرین ساعات و لحظات شهادت با توجه به اهمیت بیش از حد این مسأله به چگونگی پیدایش پدیده‌ی ظلم حاکمان می‌پردازد، و سبب آن را ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می‌داند.

«... لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَىٰ عَلَيْكُمْ شَرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَكُمْ» (شهیدی، ۱۳۷۹، ۳۲۱)؛ امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که بدترین شما حکمرانی شما را بر دست گیرند آنگاه دعا کنید و از شما نپذیرند.

در باب نقش اخلاق و کارکرد آن در رابطه با رونق یافتن و سودآور شدن

معاملات و افزایش رزق و روزی افراد و پیدایش پدیده‌ی امنیت اقتصادی و اجتماعی در جامعه و کاهش هزینه‌های اجتماعی و روانی قراردادهای، احادیث و روایات بسیاری وجود دارد که به رابطه‌ی کارکرد اخلاق امانت‌دار و اخلاق خیانت‌پیشه و آثار و پدیده‌هایی که توسط آن پیدا می‌شود می‌پردازد.

به عنوان نمونه در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام چنین آمده است: «الامانه تجلب الرزق و الخيانه تجلب الفقر» (ر. ک: مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۵، ۱۱۴)؛ امانت‌داری سبب افزایش روزی و خیانت‌ورزی سبب فزونی فقر می‌شود. «الامانه تجر الرزق و الخيانه تجر الفقر» (ر. ک: مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۸، ۶۰)؛ امانت‌داری سبب فزونی رزق و روزی و خیانت‌ورزی باعث افزایش فقر می‌شود.

بر مبنای این اصل کلی است که امام رضا علیه السلام به عنوان یک هشدار جدی می‌فرماید:

يا ايها الناس اتقوا الله في نعم الله عليكم فلا تنفروها عنكم بمعاصيه بل استديموها بطاعته و شكره على نعمه و اياديه ... (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۶۹)؛ ای انسان‌ها حریم الهی را در نعمات‌اش که بر شما ارزانی داشته نگه دارید و آنها را با عصیان و گناه از خود دور نکنید و با فرمان‌برداری و شکرگذاری و سپاس دوام نعمت‌ها را سبب شوید. ایشان در بیان رابطه‌ی متقابل بین انجام گناه و پیدایش بلاها و مشکلات جدید می‌فرماید:

كلما احدث الناس من الذنوب مالم يكونوا يعملون احدث الله لهم من البلاء مالم يكونوا يعدون (حرانی، ۱۳۹۸، ۴۳۴)؛ هر زمانی که مردم گناهی تازه انجام دهند که در گذشته وجود نداشته است، خداوند بلاهای تازه‌ای را به آنان دهد که به حساب نمی‌آوردند.

بخش دوم: تأثیر تربیت دینی در تحقق مؤلفه‌های رفاه اجتماعی

۱۷۹۶+

واقعیت‌های موجود در جوامع اسلامی

به طور کلی چالشی که امروزه تمامی کشورهای اسلامی، به ویژه ایران اسلامی با آن مواجه هستند، تحقق بخشیدن به نگرش اسلام در مورد «حیات طیبه» برای هر فرد در جوامع این کشورهاست. نگرشی که از دین بر مبنای آنچه گذشت ترسیم و تصویر شد، فقط تعالی اخلاقی را نمی‌طلبد، بلکه مستلزم عدالت اجتماعی و اقتصادی است، و این همه امکان تحقق ندارد، مگر این که منابعی برای فقرزدایی و تأمین نیازها و کم کردن نابرابری‌های درآمد و ثروت به کار رود. در حالی که کشورهای اسلامی، که به طور عمده کشورهای در حال توسعه هستند، خودشان را در کلاف سر در گم شبکه‌ی پیچیده‌ای از عدم تعادل‌های اقتصادی کلان و خارجی غرق کرده‌اند، بدون این که به تحقق این نگرش نزدیک شوند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که وضعیت کنونی، نتیجه‌ی منطقی سیاست‌های تقلیدی این کشورها از راهبردهای سکولار سرمایه‌داری، سوسیالیسم و دولت رفاه است. در حالی که تجربه‌ی عملی در برخی از کشورهای به اصطلاح توسعه یافته، بیان‌گر آن است که علی‌رغم افزایش درآمد و ازدیاد ثروت، نه تنها خوشبختی در هیچ یک از این کشورها افزایش نیافت، بلکه بسیاری معتقد به کاهش آن نیز هستند.

این در حالی است که کشورهای مسلمان زمینه‌ی فرهنگی بسیار قوی دارند که می‌تواند در پرتو تربیت دینی تأثیر بسیار خوبی بر رفتارهای اجتماعی آنها داشته باشد؛ مشروط بر این که سیاست‌های مناسبی اتخاذ شود. میراث عظیمی از آیات و روایات و حکمت‌ها در فرهنگ اسلامی وجود دارد که تأمین نیازهای همه را به رغم کمیابی منابع ممکن می‌سازد و با لوازم برادری انسانی سازگار

است. از این طریق به خوبی همبستگی اجتماعی تقویت و از بحران‌های اجتماعی و بزهکاری کاسته می‌شود. این مهم جز در سایه‌ی عمل صحیح و به جا به آموزه‌های اسلام میسر نیست. بر مبنای این نگرش است که امروزه اسلام به صورت یک مکتب متری که قوانین آسمانی آن برای تأمین تمام شؤون زندگی از مبدأ وحی نازل شده و قادر است تمامی نیازهای بشر را رفع و مشکلات او را حل کند، مورد توجه مسلمانان جهان و ملت مسلمان ایران اسلامی قرار گرفته است و خواهان مملکتی آزاد و مستقل و متمدن است. این چیزی است که دانشمندان اروپایی نیز به آن معترفاند که «تمدن اسلام مقدم بر سایر تمدن‌هاست». از این رو اهمیت تبلیغ عملی اسلام و ارائه و معرفی حقیقت و توانمندی‌های آن در ایجاد رفاه اجتماعی نقش بسزایی در توجه بیشتر افراد نسبت به اسلام خواهد داشت، زیرا فطرت سالم و آزاد بشر مشتاقانه پذیرای سیمای دلپذیر اسلام با آن جمال زیبا خواهد بود، چرا که احکام و قوانین متعالی آن ارمغان حیات توأم با عزت، آزادی، آزادگی، استقلال و کرامت انسانی را در پرتو تربیت دینی به جهانیان خواهد بخشید.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت:

از آنجا که شیوه‌ی تربیت در ادیان الهی، به طور عموم هماهنگ با آفرینش انسان و سرشت فطری اوست، مبلغان واقعی و حقیقی دین اسلام که اولیای الهی و معصومین علیهم‌السلام در رأس آنها قرار دارند نیز در راستای همین هدف کلی به انسان با دیده‌ی واقع‌بینانه نگریسته، تمامی شؤون مادی و معنوی او را مورد توجه قرار داده‌اند. و بدین ترتیب از یک سو با احیای معرفت فطری، و به کارگیری نیروی عقل و خرد و دعوت از انسان به تفکر و تدبیر در آیات الهی، او را به ایمان به آفریدگار این عالم فرا خوانده، و از دیگر سو با برانگیختن حس مسؤولیت در دل

و جان او به شکوفا ساختن وجدان اخلاقی او برخاسته، و با تعلیم و تربیت خود به پرورش تمایلات عالی انسان و ابلاغ اوامر و نواهی خدای سبحان افراد را به سوی مکارم اخلاق و سجایای انسانی می‌کشانند. در پی این تربیت دینی است که با ارج نهادن به زندگی دنیوی و دعوت انسان‌ها به کار و تلاش در قالب یک فرهنگ برای بهره‌برداری از منابع طبیعی جهانی توسعه یافته و پر از نشاط و شادی و بهره‌مند از رفاه اجتماعی را که آرمان هر انسان آزاده و نوع دوستی است برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورند.

منابع و مآخذ

• قرآن کریم.

- ۱) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۸)، فروع کافی، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲) حرانی، علی بن الحسین (۱۳۹۸ق)، تحف العقول، تهران، انتشارات اسلامیه.
- ۳) مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت، موسسه‌ی الوفاء.
- ۴) قیومی، جواد (۱۳۷۳)، دعا و کلمات امام رضا علیه السلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۵) شیخ صدوق (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا، انتشارات جان.
- ۶) مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه‌ی آثار، تهران، صدرا.
- ۷) آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰)، غررالحکم و دررالکلم، تهران، جامعه.
- ۸) جندی، انور (۱۳۷۱)، اسلام و جهان معاصر، ترجمه‌ی حمید رضا آذیر، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ۹) دورانت، ویل (۱۳۷۱)، لذات فلسفه، ترجمه‌ی عباس زریاب، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۰) زاهدی اصل، محمد (۱۳۷۱)، مقدمه بر خدمات اجتماعی در اسلام، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۱) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۰)، اصول کافی، تهران، دفتر نشر فرهنگ
اهل بیت علیهم السلام.

۱۲) تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۶)، «مدخلی بر مفاهیم و دکترین‌های امنیت
ملی»، مجموعه‌ی مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، معاونت امنیتی و
انتظامی وزارت کشور.

۱۳) دری نجف‌آبادی، قربان علی (۱۳۷۷)، «توسعه‌ی پایدار و امنیت ملی - ۱»،
اطلاعات، شماره ۲۱۴۱۷، ۶/۲/۱۳۷۷.

۱۴) شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۹)، نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات علمی و
فرهنگی، چاپ هفدهم.

۱۵) رشاد، علی اکبر (۱۳۷۹)، دمکراسی قدسی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و
اندیشه‌ی اسلامی.

۱۶) همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه‌ی، محسن ثلاثی، قم،
تبیان.

۱۷) الیاده، میرچا (۱۳۷۴)، فرهنگ و دین، هیأت مترجمان، تهران، طرح نو.

۱۸) بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۸۱)، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر.